

به نام خدا

سیاست خارجی اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و بایسته‌های سیاست خارجی ایران

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۱ | چکیده..... |
| ۳ | مقدمه..... |
| ۶ | ۱. پیشینه تاریخی روابط اسرائیل و کشورهای منطقه قفقاز..... |
| ۱۴ | ۲. جایگاه و اهمیت کشورهای منطقه قفقاز در سیاست خارجی اسرائیل..... |
| ۱۷ | ۳. اهداف و منافع اسرائیل در منطقه قفقاز..... |
| ۲۷ | ۴. روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان..... |
| ۳۳ | ۵. تعاملات سیاسی - امنیتی اسرائیل و گرجستان..... |
| ۳۵ | ۶. روابط دوجانبه اسرائیل و ارمنستان..... |
| ۳۷ | ۷. موانع موجود در روابط اسرائیل و کشورهای منطقه قفقاز..... |
| ۳۹ | ۸. پیامدهای حضور اسرائیل در منطقه بر امنیت ملی ایران..... |
| ۴۱ | ۹. ارزیابی نهایی: چشم‌انداز روابط اسرائیل و منطقه قفقاز و بایسته‌های سیاست خارجی ایران..... |
| ۴۴ | پی‌نوشت‌ها..... |

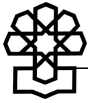


سیاست خارجی اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و بایسته‌های سیاست خارجی ایران

چکیده

جایگاه خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک منطقه قفقاز جنوبی سبب شده است که این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون به حوزه رقابت و نفوذ شدید میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شود.^۱ از این رو کشورهای روسیه، ترکیه، ایران، عربستان، پاکستان، هند، چین، آمریکا، کشورهای اتحادیه اروپا و به‌ویژه اسرائیل برای توسعه نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در منطقه فعال شده‌اند. در این میان، اسرائیل ابتدا در قالب طرح خاورمیانه جدید پرن، آسیای مرکزی و قفقاز را به‌عنوان دنباله جغرافیایی و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه به‌منظور خروج از انزوای سیاسی در خاورمیانه، خارج کردن بُعد اسلامی مبارزه با اسرائیل، مبارزه با رشد اسلام‌گرایی در منطقه، دستیابی به منابع نفتی و گازی قفقاز و نفوذ اقتصادی و فرهنگی در این منطقه برگزید. از سوی دیگر با توجه به آغاز روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، اسرائیل با تأکید بر استراتژی اتحاد پیرامونی جدید بر اولویت و ضرورت مقابله و محاصره ایران - بجای اعراب - و همکاری با کشورهای پیرامونی ایران به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری از جانب ایران و جلوگیری از توسعه

۱. منطقه قفقاز جنوبی شامل سه کشور آذربایجان، گرجستان و ارمنستان است.



روابط کشورهای این منطقه با ایران توجه ویژه‌ای داشته و لذا همکاری‌های گسترده امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با کشورهای منطقه قفقاز در دستور کار خود قرار داد. در این شرایط، گسترش نفوذ آمریکا در غیاب رقیب استراتژیک دیرین آن و ظهور نظام تک‌قطبی و سپس تحولات جهانی و منطقه‌ای پس از حادثه یازدهم سپتامبر سبب تشدید روند حضور و نفوذ اسرائیل در قفقاز شد. این مسئله به سبب نیاز این منطقه به سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش نگرانی از تهدیدات امنیتی در قفقاز، زمینه تداوم فعالیت اسرائیل در منطقه را به‌وجود آورد. بنابراین اسرائیل در شرایط کنونی توانسته است با استفاده از شیوه‌های گوناگونی مانند سرمایه‌گذاری شرکت‌های اسرائیلی به انعقاد قراردادهای سیاسی - امنیتی، فعالیت بنیادها و نهادهایی مانند سوروس، سوخنوت، مارشال، ماشاو، تقویت انجمن‌های دوستی و فعالیت‌های علمی - فرهنگی و ... به شریک و هم‌پیمان فعالی برای دولت‌های منطقه تبدیل شود. در این میان اسرائیل از طریق ایجاد ارتباطات گسترده با ترکیه، زمینه گسترش نفوذ خود در قفقاز را به‌دست آورده و در میان کشورهای منطقه قفقاز، آذربایجان را به‌عنوان متحدی استراتژیک برگزیده و همکاری‌های گسترده سیاسی - نظامی را با گرجستان پیگیری کرده است. این مسئله به‌ویژه پس از گسترش نفوذ حزب «اسرائیل خانه ما» - متشکل از یهودیان شوروی تبار در اسرائیل - در دولت کنونی رژیم صهیونیستی، سفر اخیر شیمون پرن - رئیس‌جمهور اسرائیل - به منطقه و همچنین جنگ روسیه و گرجستان در اوستیای جنوبی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. از این رو با توجه به اهمیت حضور و نفوذ اسرائیل در قفقاز و تهدیدات احتمالی گسترش فعالیت‌های آن در این منطقه برای ایران، این گزارش به بررسی و



شناسایی اهداف، منافع و موانع حضور اسرائیل در قفقاز پرداخته و راهکارهایی را برای تأمین منافع ملی ایران در شرایط کنونی پیشنهاد می‌کند.

مقدمه

منطقه قفقاز در نقطه تلاقی قاره‌های آسیا و اروپا، به دلیل ویژگی‌های خاصی همانند دارا بودن منابع غنی نفت و گاز، موقعیت چهارراهی و وضعیت ترانزیتی مناسب، وجود بازارهای مصرفی مناسب جهت صادرات کالا و خدمات صنعتی و شرایط و پیچیدگی‌های سیاسی مانند عدم ثبات سیاسی و مناقشات مداوم و لاینحل قومی و ... همواره با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه بوده است. به گونه‌ای که این منطقه سه حوزه تمدنی ایرانی، عثمانی و روسی را در طول تاریخ معاصر پشت سر گذرانده و پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به کانون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شد. در این میان، پایان جنگ سرد نقطه عطف مهمی در تغییر استراتژی سیاست خارجی کشورهای مختلف نسبت به قفقاز بود و الگوهای اتحاد و ائتلاف، همکاری و منازعه را در این منطقه متحول کرد. در این شرایط، کشورهایمانند ترکیه یا اسرائیل، اهمیت استراتژیک پیشین خود در سیاست بین‌الملل را که به سبب تقابل دو بلوک شرق و غرب در منطقه به دست آورده بودند از دست داده و در صدد کسب مجدد جایگاه خود در منطقه برآمدند. بر این اساس سیاست خارجی اسرائیل در منطقه با بازتعریف شرایط جدید نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تعیین سیاست‌های نوین سیاسی، اقتصادی و امنیتی در چارچوب اهداف



کلان اسرائیل تبیین شد. بنابراین اسرائیل با گسترش ژئوپلیتیک خاورمیانه و طرح خاورمیانه جدید پرز، به دنبال اتحاد استراتژیک با جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی و گسترش حضور در منطقه قفقاز برآمده و زمینه بازیابی نقش و جایگاه استراتژیک خود در سیاست خارجی آمریکا و کسب هژمونی منطقه‌ای را به وجود آورد. از سوی دیگر نیازهای اقتصادی و امنیتی کشورهای منطقه قفقاز برای حضور و بقا در نظام بین‌الملل، این منطقه را به محیط مناسبی برای نفوذ اسرائیل تبدیل کرد. این مسئله سبب شد تا از یک سو اسرائیل برای تحقق اهدافی مانند ایجاد مشروعیت یا بازکردن دروازه‌های اقتصادی آسیایی به روی خود یا دستیابی به منابع سرشار طبیعی نفت و گاز و استعداد بالای کشاورزی منطقه و ... تلاش کند و از سوی دیگر کشورهای منطقه قفقاز نیز برای تأمین سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به دنیای مدرن غرب، حفظ امنیت و تمامیت ارضی خود در قبال بحران‌های هویتی، قومی و نژادی، تقابل اندیشه‌های بنیادگرایی اسلامی، پان‌ترکیسم و ... به سمت ایجاد اتحاد استراتژیک با کشورهای منطقه گام بردارند. از سوی دیگر پیامدها و تحولات جهانی و منطقه‌ای حادثه یازدهم سپتامبر و جنگ علیه تروریسم آمریکا و گسترش موج بنیادگرایی اسلام سلفی در منطقه، سبب تقویت منافع مشترک اسرائیل با کشورهای منطقه قفقاز شده و همکاری‌های سیاسی - اقتصادی آنان را به همکاری سیاسی - امنیتی تبدیل کرده است. این سطح از روابط نشانه بالاترین درجه تعامل اسرائیل با کشورهای منطقه قفقاز بوده و در هم تنیدگی منافع مشترک آنان و تلاش مضاعف اسرائیل برای حضور در منطقه در چارچوب استراتژی کلان سیاست خارجی و امنیتی ملی آن را نشان می‌دهد.



از سوی دیگر اسرائیل با توجه به اینکه منطقه قفقاز و به‌ویژه جمهوری آذربایجان به دلایل خاص سیاسی، امنیتی، قومی، فرهنگی و تاریخی می‌تواند حجم قابل توجهی از ظرفیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به‌خود اختصاص دهد، این منطقه و این کشور را به‌عنوان نقطه عزیمت استراتژی «اتحاد پیرامونی جدید» خود قرار داده است. استراتژی پیرامونی به‌عنوان یکی از مهمترین استراتژی‌های امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در گذشته - با توجه به اینکه اسرائیل از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کرده بودند - بر ضرورت ارتباط با سایر بازیگران مسلمان غیرعربی منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران یا کشورهای دارای هویت مسیحی مانند اتیوپی و همچنین اقلیت‌های قومی غیرعرب یا غیرمسلمان مانند کردها و ارمنه استوار بود. هسته اصلی این استراتژی، جهش به آن سوی حلقه کشورهای عرب متخاصمی بود که اسرائیل را محاصره کرده بودند تا از این طریق در درازمدت، زمینه خروج اسرائیل از انزوای سیاسی در منطقه به‌وجود آمده و منافع اقتصادی و امنیتی آن در برابر کشورهای عربی تأمین گردد. اما در استراتژی اتحاد پیرامونی جدید با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه پس از جنگ سرد، آغاز فرآیند صلح اعراب و اسرائیل و تداوم سیاست خارجی ضداسرائیلی ایران و تبدیل آن به مهمترین تهدید استراتژیک اسرائیل، مکان جغرافیایی پیرامون از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق همجوار ایران تغییر یافته و حضور و نفوذ در نزدیکی مرزهای ایران و محاصره آن - بجای اعراب - در دستور کار سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفته است. بر این اساس، منطقه قفقاز و به‌ویژه جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای



در استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل برخوردار شده است.^(۳)

از سوی دیگر با تقویت نقش مهاجران روسی‌تبار در اسرائیل و به‌ویژه جایگاه مهم آنان در حزب اسرائیل خانه ما و دولت کنونی اسرائیل، استراتژی توسعه روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای این منطقه از اهمیت بیشتری نیز برخوردار شده است. این مسئله پس از تحولات اخیر در منطقه قفقاز و جنگ روسیه و گرجستان در اوستیای جنوبی مورد توجه و حساسیت شدید سایر بازیگران منطقه‌ای مانند روسیه و ایران نیز قرار گرفته است.

۱. پیشینه تاریخی روابط اسرائیل و کشورهای منطقه قفقاز

روابط اسرائیل و کشورهای منطقه قفقاز را می‌توان در پنج دوره تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

۱-۱. دوره اول (۱۹۴۸-۱۹۸۵)

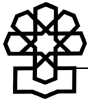
در دوره اول در دوران جنگ سرد و از سال ۱۹۴۸ میلادی (تشکیل دولت اسرائیل) تا قبل از روی کار آمدن گورباچف، روابط اسرائیل و کشورهای منطقه قفقاز، تابع روابط آمریکا و شوروی، روابط شوروی و اعراب و برداشت ایدئولوژیک نخبگان روسی از پدیده صهیونیسم و مسئله یهود بود. در این دوره شوروی موضع خصمانه‌ای در قبال اسرائیل که متحد استراتژیک بلوک غرب در خاورمیانه بود اتخاذ کرده و از این‌رو روابط آن با اسرائیل فرازونشیب‌های بسیاری داشت به‌گونه‌ای که



حتی در سال ۱۹۶۷ میلادی در جنگ اعراب و اسرائیل روابط آنان قطع شد. بنابراین در این دوره جمهوری‌های شوروی که هیچ‌گونه ارتباطی جز از طریق دولت مرکزی با جهان خارج نداشتند نیز از هیچ رابطه‌ای با اسرائیل برخوردار نبوده و تابع سیاست دولت مرکزی در قبال اسرائیل بودند. با این وجود اسرائیل جمهوری‌های شوروی را به‌عنوان «بازوهای پیرامونی» در قالب استراتژی «اتحاد پیرامونی» تعریف کرده و در صدد گسترش روابط با آنان برآمده بود. در این میان، تا قبل از سقوط رژیم پهلوی، ایران مهمترین نقطه تمرکز اسرائیل و غرب برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز به‌حساب می‌آمد زیرا که با استقرار پایگاه‌های جاسوسی در مرزهای ایران و در کرانه خزر و در جدار مرز با شوروی، امکان عبور از دیوار آهنین و نفوذ و تأثیرگذاری بر اقوام ساکن در این نواحی به‌وجود آمده بود.

۲-۱. دوره دوم (۱۹۸۵-۱۹۹۱)

با روی کار آمدن گورباچف در شوروی و تغییر سیاست خارجی شوروی در قبال اسرائیل، روابط دوجانبه بهبود یافت، به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۹۱ سفیر میان طرفین مبادله شد و به یهودیان روسیه نیز اجازه مهاجرت همگانی به اسرائیل داده شد. از سوی دیگر روابط فرهنگی، اقتصادی و توریستی میان دولت مرکزی شوروی و بعضی از جمهوری‌ها مانند آذربایجان با اسرائیل افزایش یافت. این مسائل سبب شد تا شوروی در روند صلح خاورمیانه نیز مصرانه از کشورهای عرب و فلسطینی‌ها بخواهد که اختلافشان را با اسرائیل تنها از طریق سیاسی و غیرنظامی حل کنند.^(۴)



۳-۱. دوره سوم (۱۹۹۱-۲۰۰۱)

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع سرآغاز سومین مرحله در روابط اسرائیل و کشورهای این منطقه است. در این دوره روابط دوجانبه اسرائیل با این کشورها متأثر از عوامل زیر در سطح سیاسی - اقتصادی بهبود یافت:

الف) تلاش دولت‌های منطقه برای رهایی از بحران‌های هویتی، اقتصادی و امنیتی جدید

این بحران‌ها به سبب دولت - ملت‌سازی‌های جدید در منطقه و درگیری‌های تاریخی، احساس عدم امنیت از سوی روسیه و همچنین نیازهای اقتصادی به سرمایه‌گذاری خارجی به‌وجود آمده بود.

ب) انگیزه‌های استراتژیک اسرائیل برای نفوذ در منطقه

با پایان جنگ سرد، ترکیه و به‌ویژه اسرائیل به‌عنوان شرکای استراتژیک آمریکا در منطقه خاورمیانه، ارزش استراتژیک خود را در سیاست خارجی آمریکا به سبب از بین رفتن مهمترین نگرانی آمریکا یعنی تهدید کمونیسم از دست دادند. در این شرایط اسرائیل تلاش کرد تا با حضور در منطقه قفقاز که حیات خلوت یا خارج نزدیک روسیه محسوب شده و از منابع سرشار نفت و گاز نیز برخوردار است، جایگاه پیشین خود در سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان هژمونی منطقه‌ای را به‌دست آورد.

ج) نگرانی از گسترش نفوذ و حضور ایران و اعراب در منطقه قفقاز

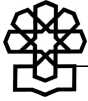
نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگر به‌ویژه ایران که به‌لحاظ فرهنگی و



مذهبی در این منطقه از برتری نسبی نفوذ نیز برخوردار بود، سبب افزایش نگرانی و تلاش آن برای نفوذ در منطقه شد. همجواری این مناطق با ایران، مسلمان بودن جمهورهای جدید و احتمال گسترش تکنولوژی و تجهیزات هسته‌ای آنان به ایران یا کشورهای عربی نیز دغدغه‌های امنیتی اسرائیل را مضاعف کرد. از سوی دیگر تلاش دولت‌های عربی و به‌ویژه سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و به رسمیت شناخته شدن فعالیت جنبش‌های فلسطینی و دولت خودگردان و افزایش خطر گسترش اسلام‌گرایی یا حمایت این دولت‌ها از مواضع دولت‌های عربی به‌ویژه در قبال مسئله فلسطین، سبب تقویت فعالیت‌های اسرائیل برای گسترش تعاملات سیاسی، اقتصادی و امنیتی با دولت‌های جدید در این منطقه شد. در این میان دیدار عرفات از قزاقستان در ژانویه ۱۹۹۲، و شناسایی دولت فلسطین توسط این کشور و افزایش همکاری ازبکستان و تاجیکستان با سازمان آزادی‌بخش فلسطین پس از دیدار عرفات از این کشورها در فوریه ۱۹۹۲ سبب تداوم نگرانی‌های امنیتی - سیاسی اسرائیل شده و زمینه به رسمیت شناخته شدن آذربایجان و گرجستان در سال ۱۹۹۲ را به‌وجود آورد.^(۵)

د) اتحاد منافع اسرائیل - آمریکا در منطقه

با فروپاشی شوروی و ایجاد جمهوری‌های جدید در منطقه قفقاز، همپوشانی منافع میان آمریکا و اسرائیل در این منطقه ایجاد شد. در واقع اهداف کلان استراتژی آمریکا در منطقه مانند دستیابی به منافع و ثروت‌های سرشار انرژی قفقاز، تکمیل محاصره ایران، جلوگیری از انتقال فناوری، مواد و تجربیات هسته‌ای به کشورهایمانند ایران، کره شمالی و دیگر کشورهای عربی، ایجاد نظام‌هایی هم‌سو با آمریکا و مبتنی بر



بازار آزاد یا تضعیف جنبش‌های اصولگرای رادیکال منطقه، با منافع اسرائیل هم‌راستا شد. از این‌رو آمریکا از نقش اسرائیل در منطقه استقبال کرده و در اوت ۱۹۹۲ پروژه مشترکی میان آنان تدوین شد که براساس آن آمریکا مخارج مالی لازم را برای انتقال تکنولوژی و تخصص‌های لازم دیگر منطقه از سوی اسرائیل تأمین کند، علاوه بر این براساس گزارش محرمانه‌ای که توسط شورای امنیت ملی آمریکا و با همکاری وزارت خارجه و اداره اطلاعات مرکزی (سیا) تهیه شده بود، به دولت آمریکا توصیه شد تا وظایف نوینی را در آسیای مرکزی و قفقاز به اسرائیل محول کند.^(۶)

ه) هم‌گرایی منافع ترکیه و اسرائیل

اتحاد اسرائیل - ترکیه، استراتژی سیاسی امنیتی این دو کشور برای حفظ و توسعه منافعشان در منطقه و در قبال مناسبات سیاسی آنان با آمریکا است. این همکاری براساس منافع و نگرانی‌های مشترک دو کشور در قفقاز شکل گرفته و تقویت شده است. در این میان ترکیه به‌علت حمایت کامل آمریکا از اسرائیل، مقابله بانفوذ رقبای مشترک آنان به‌ویژه ایران در منطقه و بهره‌گیری از توانایی‌های مشترک اسرائیل و ترکیه برای نفوذ در منطقه، به بسط روابط خود با اسرائیل اقدام کرده است. از سوی دیگر اسرائیل نیز در راستای توسعه نفوذ خود در خاورمیانه و قفقاز تلاش کرده است تا از طریق یک دولت منطقه‌ای و اسلامی به نفوذ بیش‌تری در کشورهای منطقه به‌ویژه آذربایجان دست یابد و حساسیت دولت‌های منطقه نسبت به اسرائیل را کاهش دهد.^(۷) براین اساس ترکیه، نقش اصلی، کلیدی و واسطه‌ای را در تقویت حضور اسرائیل در منطقه به‌ویژه در آذربایجان داشته است. به‌گونه‌ای که بسیاری از شرکت‌های اسرائیلی با پوشش فعالیت‌های تجاری شرکت‌های ترک وارد کشورهای



این منطقه و به‌ویژه آذربایجان شده‌اند. بدین ترتیب سطح منافع مشترک میان ترکیه و اسرائیل در قبال منطقه بسیار درخور توجه است. با این وجود باید توجه داشت که روند جدایی میان ترکیه و اسرائیل پس از جنگ ۲۲ روزه غزه عملاً به تقابل منافع دو کشور در شرایط جاری منجر شده و احتمال تشدید تنش میان آنان و کاهش نفوذ اسرائیل در منطقه به‌وجود آمده است.

۴-۱. دوره چهارم (۲۰۰۱ - ۲۰۰۸)

با وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و طرح استراتژی جدید آمریکا در مبارزه با تروریسم، روابط اسرائیل با کشورهای منطقه قفقاز نیز وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره اسرائیل تلاش کرده است در ابتدا در چارچوب طرح مبارزه با تروریسم آمریکا، تهدیدات نوین بنیادگرایی اسلامی را جایگزین خطر کمونیسم سابق کند. بدین ترتیب اسرائیل توانسته است نظر کشورهای منطقه قفقاز را به همکاری با خود و غرب در مقابله با جریان اسلام‌گرایی جلب کند. از سوی دیگر با تقویت حضور نظامی آمریکا در قفقاز و تشدید جنگ روانی و سیاست مقابله‌جویانه آن علیه ایران، زمینه گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه تقویت شده و همکاری‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها با اسرائیل به بالاترین سطح خود رسیده است. این مسئله به‌ویژه در روابط اسرائیل با آذربایجان در راستای مهار ایران در حوزه‌های مختلفی مانند سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های اقتصادی اسرائیلی در تجارت، کشاورزی و صنعت آذربایجان و انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی و حضور کارشناسان نظامی اسرائیل در مناطق مرزی ایران و آموزش مأموران اطلاعاتی آذربایجان و همچنین از طریق تقویت



فعالیت آژانس یهود و انجمن بین‌المللی یهودیان در آذربایجان و نهادهایی مانند سوروس، سوخنوت، مارشال، ماشاو، بنیاد کمک ملی به دموکراسی، مؤسسه رسانه‌های قفقاز، انستیتو صلح و دموکراسی آمریکا و... گسترش یافته است.^(۸)

۵-۱. دوره پنجم (۲۰۰۸ تاکنون)

تحولات داخلی در اسرائیل و تقویت جریان راست در انتخابات پارلمانی اخیر در این کشور و افزایش نقش حزب «اسرائیل خانه ما» - که با پشتوانه رأی بزرگ‌ترین گروه مهاجران به اسرائیل یعنی یهودیان شوروی سابق ایجاد شده است - زمینه فعال‌تر شدن سیاست خارجی اسرائیل در حوزه کشورهای شوروی سابق و به‌ویژه قفقاز را به‌وجود آورده است. در این میان، انتخاب لیبرمن - بنیانگذار و رهبر حزب اسرائیل خانه ما به‌عنوان وزیر خارجه جدید رژیم صهیونیستی در کابینه ائتلافی نتانیاهاو با توجه به تولد وی در اتحاد جماهیر شوروی و مواضع حزبی اسرائیل خانه ما، تلاش اسرائیل برای گسترش حضور و نفوذ در کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز تشدید شده است. به‌گونه‌ای که در این راستا می‌توان به افتتاح دفتر رایزنی اسرائیل در باکو و کمیسیون مشترک جمهوری آذربایجان و اسرائیل و همچنین سفر شیمون پرز - رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی - به همراه جمع کثیری از مشاوران و مقامات نظامی، تجاری و امنیتی اسرائیل به آذربایجان و قزاقستان و امضای چندین پروتکل امنیتی و اقتصادی و از جمله انتقال گاز صادراتی آذربایجان از طریق گرجستان و ترکیه به تل‌آویو و مراودات تسلیحاتی و امنیتی اشاره کرد.



براساس این موافقتنامه‌ها آذربایجان - که هم‌اکنون به همراه قزاقستان ۴۰ درصد واردات سوخت اسرائیل را به خود اختصاص داده و در سال ۲۰۰۸ به تنهایی ۳/۵ میلیارد دلار به اسرائیل صادرات داشته است - عملاً به یکی از صادرکنندگان عمده نفت و گاز اسرائیل تبدیل خواهد شد. علاوه بر این، اسرائیل به دنبال تقویت نقش خود در پروژه ناباکو و مسیر انتقال گاز منطقه نیز می‌باشد.

از سوی دیگر با توجه به تأکید لیبرمن - وزیر خارجه شوروی تبار اسرائیل - مبنی بر اینکه آسیای مرکزی و قفقاز مهمترین منطقه برای اسرائیل محسوب می‌شود، اسرائیل اولویت روابط خود را علاوه بر آذربایجان در منطقه قفقاز، بر ترکمنستان در منطقه آسیای مرکزی نیز متمرکز کرده و به دنبال افتتاح سفارت رژیم صهیونیستی در این کشور می‌باشد. در واقع اگر چه اسرائیل و ترکمنستان از سال ۱۹۹۴ روابط دیپلماتیک را آغاز کرده‌اند و شرکت‌های اسرائیلی نیز در این کشور فعال بوده‌اند. اما افتتاح سفارت در ترکمنستان نشان‌دهنده افزایش حضور و نفوذ اسرائیل در این کشور هم‌مرز با ایران است.

از سوی دیگر وقوع جنگ میان روسیه و گرجستان در اوت ۲۰۰۸ را نیز می‌توان نقطه عطفی در سیاست خارجی اسرائیل در منطقه قفقاز به حساب آورد. در واقع جنگ اخیر که با افزایش حساسیت و واکنش روسیه نسبت به روابط اسرائیل و گرجستان همراه بود اولاً گستردگی حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه و افزایش نگرانی روسیه را آشکار ساخت به‌گونه‌ای که به دلیل اعتراض شدید روسیه که در سال‌های گذشته به کرات نسبت به برخی قراردادهای نظامی دوجانبه میان اسرائیل و گرجستان هشدار داده بود، برخی از توافقنامه‌های نظامی مانند توافقنامه فروش ۲۰۰



تانک مرکاوا به گرجستان با تهدید فروش سامانه S۳۰۰ روسی به ایران لغو شد. ثانیاً این جنگ سبب کاهش فعالیت‌های اسرائیل در گرجستان و تمرکز بر سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز و به‌ویژه آذربایجان و ترکمنستان شده است.

۲. جایگاه و اهمیت کشورهای منطقه قفقاز در سیاست خارجی اسرائیل

امروزه کشورهای منطقه قفقاز، به دلیل موقعیت‌شان به‌عنوان کشورهای مسلمان، به بخشی از خاورمیانه تبدیل شده‌اند. این مسئله سبب شده است که اسرائیل که حتی قبل از کسب استقلال این کشورها از شوروی به دنبال حضور و نفوذ در این منطقه بود، در راستای طرح خاورمیانه جدید پرز و استراتژی اتحاد پیرامونی جدید در صدد تقویت روابط خود با این کشورها باشد. از سوی دیگر جایگاه و اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشورها در استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل نیز رژیم صهیونیستی را به گسترش نفوذ در منطقه ترغیب کرده است. در این میان مهم‌ترین اهمیت کشورهای منطقه برای اسرائیل عبارتند از:

۲-۱. اهمیت سیاسی کشورهای منطقه برای فرار اسرائیل از انزوای سیاسی

در خاورمیانه

با توجه به حساسیت‌های بالایی که نسبت به برقراری روابط با اسرائیل در منطقه خاورمیانه وجود دارد، برقراری روابط سیاسی اسرائیل با کشورهای قفقاز و گسترش این تعاملات، بسیار آسان‌تر از کشورهای خاورمیانه صورت می‌گیرد.



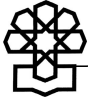
بنابراین با ایجاد این ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک، زمینه خروج اسرائیل از انزوای منطقه‌ای فراهم می‌شود. از سوی دیگر گسترش روابط اسرائیل و کشورهای این منطقه سبب بزرگ شدن خاورمیانه توسط کشورهای غیرمخالف اسرائیل شده و فضای بازی این کشور در نظام بین‌الملل را افزایش می‌دهد.

۲-۲. جغرافیای سیاسی قفقاز و همجواری آن با ایران

اسرائیل به سبب تغییر محیط استراتژیک منطقه و نظام بین‌الملل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و اهمیت مهار روسیه و چین، تضعیف بنیادگرایی اسلامی، مقابله با ایران و تسلط بر منابع غنی منطقه در سیاست خارجی آمریکا، مجبور شد سیاست خود را در قبال منطقه قفقاز مجدداً بازتعریف کند تا از این طریق بتواند اهمیت استراتژیک خود در سیاست خارجی آمریکا را حفظ کند. از سوی دیگر اهمیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز براساس دکترین اتحاد پیرامونی جدید به سبب همجواری آن با ایران نیز انگیزه مهمی برای حضور اسرائیل در منطقه محسوب می‌شود. در این میان، با توجه به حساسیت‌های سیاسی - امنیتی میان ایران و جمهوری آذربایجان، این کشور از اهمیت بیشتری در سیاست خارجی اسرائیل برخوردار است.

۲-۳. اهمیت جغرافیایی - اقتصادی منطقه و پتانسیل بالای ذخایر و منابع طبیعی نفت و گاز آن

اسرائیل به‌دنبال فرصت‌های جدید اقتصادی در منطقه بوده و در راستای عملیاتی کردن طرح نیل تا فرات اقتصادی، توجه ویژه‌ای به جایگاه ژئواکونومیک قفقاز و



به‌ویژه منابع زیرزمینی، ذخایر نفت و گاز آن و خطوط انتقال انرژی دریای خزر دارد.

۲-۴. اهمیت جمعیت یهودی ساکن در منطقه و تلاش برای مهاجرت آنان به اسرائیل

یکی از مهم‌ترین جذابیت کشورهای قفقاز برای اسرائیل وجود جمعیت یهودی در این منطقه (۱۳ هزار یهودی در گرجستان و ۱۲ هزار یهودی در آذربایجان) است. این مسئله با توجه به نگرانی‌های رژیم صهیونیستی از نابرابر شدن جمعیت فلسطینی نسبت به یهودیان و افزایش مهاجرت معکوس در اسرائیل و ضرورت مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی از اهمیت بسیاری برخوردار است. از سوی دیگر این اقلیت یهودی در منطقه قفقاز به‌عنوان اهرم مناسبی برای نفوذ اسرائیل در منطقه نیز محسوب می‌شوند.^(۹) چنانچه اقلیت دینفوذ یهودی آذربایجان که در مجلس این کشور نیز نمایندگانی دارد، نقش مهم و واسطه‌ای را برای لابی اسرائیل در سیاست‌های داخلی و خارجی آذربایجان برعهده دارد و به‌دلیل نقش مهم آن به‌عنوان لابی آذربایجان در کنگره آمریکا، از اهمیت بسیاری برای دولت آذربایجان نیز برخوردار است.

۲-۵. اهمیت جغرافیای فرهنگی قفقاز در سیاست خارجی اسرائیل

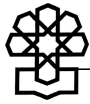
یکی از اصول ثابت در سیاست خارجی اسرائیل، تلاش آن برای از بین بردن چهره ضداسلامی اسرائیل یا از بین بردن این برداشت ذهنی که تمام کشورهای مسلمان علیه اسرائیل متحد و هماهنگ هستند، است. در این راستا اسرائیل همواره در صدد گسترش روابط خود با کلیه کشورهای مسلمان و میانه‌روی اسلامی است. در این میان جمهوری‌های منطقه قفقاز به سبب حاکمیت طولانی سلطه کمونیسم و دوری از



اندیشه‌های اصیل اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردارند. این مسئله با توجه به نگرانی دولتمردان این کشورها از گسترش اندیشه‌های سلفی و تلاش آنان برای مقابله با تهدیدات ناشی از بنیادگرایی افراطی سلفی، فرصت مناسبی را در اختیار اسرائیل قرار داده است. براین اساس، اسرائیل تلاش دارد تا با استفاده ابزاری از تهدید جریان سلفی - وهابی فعال در قفقاز شمالی (روسیه) و جنوبی (به‌ویژه آذربایجان)، از آنان به‌عنوان اهرم موازنه‌بخشی برای مقابله با شیعیان طرفدار ایران استفاده کند.

۳. اهداف و منافع اسرائیل در منطقه قفقاز

سیاست خارجی اسرائیل در قفقاز متأثر از اهداف کلان استراتژی ملی اسرائیل تدوین شده است. بر این اساس اهداف این کشور در این منطقه نیز تحت‌الشعاع موقعیت ژئوپلیتیک اسرائیل، منازعه آن با اعراب و عدم پذیرش موجودیت سیاسی آن توسط کشورهای منطقه خاورمیانه و احساس تهدید استراتژیک آن از سوی ایران شکل گرفته است. از سوی دیگر شرایط خاص منطقه قفقاز و موقعیت ویژه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک این کشورها، زمینه مناسبی را برای تحقق اهداف اسرائیل در منطقه به‌وجود آورده است. بنابراین منافع و اهداف اسرائیل نیز در این منطقه در چهار حوزه اهداف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی - ایدئولوژیک پیگیری می‌شود. این منافع و اهداف با توجه به استراتژی کلان منطقه‌ای اسرائیل تدوین شده و در دستور کار تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور قرار گرفته است.



۱-۳. اهداف سیاسی

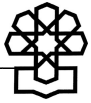
استراتژی بلندمدت اسرائیل در منطقه و محدودیت فعالیت آن در حوزه جغرافیایی خاورمیانه و ضرورت‌ها و واقعیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه قفقاز، سبب شده است تا اسرائیل در این منطقه به‌دنبال اهداف زیر باشد:

الف) تلاش برای یافتن متحدان جدید در منطقه قفقاز برای خروج از انزوای سیاسی

تضمین بقای دولت عبری در خاورمیانه و در محدوده‌ای که از نظر بین‌المللی شناخته شده است، مهم‌ترین هدف سیاسی اسرائیل است. دولتمردان اسرائیلی بر این باورند که دولت‌های عربی چندان مورد اعتماد نبوده و در صورت تحقق روند صلح نیز در مواقع حساس، سیاست‌های عربی را برخلاف منافع اسرائیل در منطقه پیگیری می‌کنند از این‌رو ضرورت دارد تا اسرائیل به‌دنبال متحدان غیرعربی در منطقه باشد تا از طریق منافع مشترک اسرائیل و این دولت‌ها، به اهداف خود در منطقه در صورت عدم همکاری اعراب با اسرائیل و انزوای سیاسی آن دست یابد.

ب) خارج کردن بعد اسلامی مبارزه با اسرائیل و تضعیف عامل دین در مناقشه فلسطین

محاصره اسرائیل در میان کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و اهمیت ایدئولوژیک مبارزه با توسعه‌طلبی آن سبب شده است تا دولت اسرائیل برای مبارزه با بن‌بست ایدئولوژیک تقابل با اسرائیل در میان مسلمانان و این باور ذهنی که مشروعیت سیاسی اسرائیل توسط هر دولت اسلامی مخدوش است، در صدد گسترش روابط خود با کلیه مسلمانان میانه‌رویی باشد که حاضر به پذیرش نسبی اسرائیل هستند. از



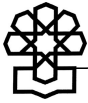
این رو گسترش روابط با مسلمانان منطقه قفقاز به معنای امکان ایجاد و توسعه روابط دیگر دولت‌های اسلامی با اسرائیل و از بین رفتن برداشت ذهنی - ایدئولوژیک تقابل ذاتی دولت‌های اسلامی و رژیم صهیونیستی است.

ج) همسو کردن سیاست خارجی دولت‌های قفقاز در مسئله فلسطین با سیاست‌های اسرائیل

تلاش اولیه برخی کشورهای عربی، ایران و سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای وارد کردن دولت‌های این منطقه به منازعه میان اعراب و اسرائیل و احتمال پیوستن کشورهای مسلمان منطقه به بلوک اسلامی در تقابل با اسرائیل در مجامع جهانی و منطقه‌ای، عامل مهمی برای نفوذ و توسعه روابط اسرائیل و کشورهای این منطقه بوده است. بر این اساس اسرائیل تلاش کرده است تا با امتیازات ذاتی کشورهای عربی و ایران که از نزدیکی فرهنگی و مذهبی با مردم قفقاز سرچشمه می‌گیرد، مقابله کند و از ایجاد همگرایی اسلامی در مبارزه با اسرائیل جلوگیری کند.

د) جلوگیری از توسعه روابط کشورهای این منطقه با ایران و نفوذ الگوی حکومتی ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوندها و امتیازات تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی که با منطقه قفقاز دارد، برای حضور در منطقه از موقعیت مناسبی برخوردار است. از این رو با گسترش روابط ایران به عنوان اصلی‌ترین کشور مخالف اسرائیل در منطقه، قدرت نرم سیاسی، اقتصادی و امنیتی به سود ایران و علیه اسرائیل تغییر می‌کند. این مسئله سبب شده است تا یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی حضور اسرائیل در منطقه، مبارزه با گسترش نفوذ ایران و شبیه‌سازی مدل حکومتی آن در منطقه باشد. در این



راستا اسرائیل برای تحقق این هدف معمولاً ایران را به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی دولت‌های منطقه معرفی کرده و خطر گسترش دامنه بنیادگرایی اسلامی را به دولت‌های منطقه گوشزد می‌کند.

ه) تلاش برای ارتقای موقعیت سیاسی یهودیان در منطقه و تسهیل مهاجرت آنان به اسرائیل

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اسرائیل در منطقه قفقاز، جذب یهودیان منطقه به اسرائیل و تسهیل مهاجرت آنان به فلسطین اشغالی است، از سوی دیگر اسرائیل با بهبود موقعیت سیاسی یهودیان در منطقه از لابی آنان برای گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده می‌کند.

۲-۳. اهداف امنیتی

سیاست‌های امنیتی و اهداف نظامی و استراتژیک، همواره در کانون توجه مقامات اسرائیلی در روابط خارجی آنان با دولت‌های دیگر بوده است. این مسئله که متأثر از بحران امنیتی رژیم صهیونیستی تشدید شده است، در منطقه قفقاز نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. مهم‌ترین هدف امنیتی اسرائیل در این منطقه، انتقال نگرانی‌های امنیتی از مرزهای خود به کنار مرزهای ایران و رویارویی با تهدید جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در واقع اسرائیل در پرتو استراتژی اتحاد پیرامونی جدید و برای مقابله با ایران به عنوان مهم‌ترین تهدید استراتژیک اسرائیل، تلاش کرده است تا با نفوذ در منطقه قفقاز و با استفاده از اقداماتی مانند ایجاد پایگاه‌های استراق سمع در مرزهای ایران یا انجام فعالیت‌های جاسوسی یا آمادگی برای حملات ضربتی



و تحمیلی به ایران، دغدغه‌های امنیتی خود در قبال ایران را کاهش داده و آسیب‌پذیری ایران را افزایش دهد. در این راستا ایهود باراک در سال ۲۰۰۰ در سفر به منطقه خواستار استقرار پایگاه شنود در حاشیه مرز ایران و آذربایجان شد و در سال ۲۰۰۳ دومین پایگاه اطلاعاتی اسرائیل در منطقه جنوبی آذربایجان با نصب دستگاه‌های شنود و با هدف جمع‌آوری اخبار از ایران تأسیس شد. علاوه بر این اسرائیل با زیر نظر داشتن کلیه فعالیت‌های ایران در نزدیکی مرزهای آن با منطقه قفقاز و استفاده از مرزهای منطقه در تقابل احتمالی نظامی با ایران، فضای بازی سیاست خارجی ایران را محدود کرده است. از سوی دیگر اسرائیل با ناامن کردن مرزهای ایران و برانگیختن احساسات ناسیونالیستی و استقلال‌طلبانه در میان قومیت‌های ایرانی به این مسئله دامن می‌زند. در این میان، باید توجه داشت که اگرچه کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، ظرفیت ذاتی و استراتژیکی برای تخریب امنیت ملی ایران را ندارند اما اسرائیل و غرب به دنبال ایجاد فضایی برای کنترل بیشتر ایران و ایجاد پایگاه‌های جاسوسی و نفوذ به داخل ایران در این منطقه هستند. از این رو است که به دلیل ترس سنتی این کشورها از روسیه و وابستگی‌های این کشورها در مقابل ایران، تحریک دولت‌های منطقه به رویارویی با ایران کمتر صورت می‌گیرد.

۳-۳. اهداف اقتصادی

نفوذ اقتصادی اسرائیل در بازارهای منطقه و تلاش برای بهره‌برداری از امکانات اقتصادی کشورهای عربی و قفقاز از مهم‌ترین ابعاد اندیشه خاورمیانه جدید است. بر این اساس اسرائیل با توجه به نیاز منطقه، عمدتاً در کشورهای مسلمان قفقاز در سه



محور استخراج و تولید نفت خام، کشاورزی و مخابرات سرمایه‌گذاری می‌کند، زیرا در این رشته‌ها متخصصان اسرائیلی از تجربه کافی برخوردار بوده و بسیاری از طرح‌های آنان با موفقیت روبه‌رو شده است. چنانچه در این زمینه اسرائیل در سال ۲۰۰۸ با گسترش تعاملات اقتصادی خود با آذربایجان توانسته است به سومین شریک عمده اقتصادی آذربایجان تبدیل شود. از سوی دیگر حضور اسرائیل در تجهیزات مخابرات کشورهای منطقه نیز شرایط مناسبی را برای فعالیت‌های جاسوسی آن فراهم کرده است. چنانچه مالکیت و مدیریت اسرائیل بر بخشی از شرکت Bakcell به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین عرضه‌کنندگان تلفن همراه در آذربایجان فرصت‌های مناسبی را بدین منظور فراهم آورده است. از این رو مهم‌ترین اهداف اقتصادی اسرائیل در قفقاز عبارتند از:

الف) دستیابی به نفت و مواد خام اولیه برای تولیدات صنعتی اسرائیل

اولین گام نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه با شناسایی میزان منابع زیرزمینی کشورهای قفقاز و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در آن محقق شده است. در این راستا اسرائیل با اولویت نیاز به نفت و مواد اولیه برای توسعه اقتصاد ملی، در بخش نفت آذربایجان حضور فعالی داشته است چنانچه اسرائیل دومین واردکننده نفت آذربایجان است و با بهره‌برداری از خط لوله باکو - جیحان، هم‌اکنون بالغ بر ۲۰ درصد واردات نفتی اسرائیل از این طریق تأمین می‌شود، علاوه بر این اسرائیل به دنبال پروژه احداث خط لوله زیرآبی اسرائیل - ترکیه است تا از این طریق بتواند خط لوله جیحان را به بندر اشکلون اسرائیل برساند و از آنجا از طریق شبکه خط لوله اصلی، به دریای سرخ مرتبط شده و از طریق بندر ایلات در



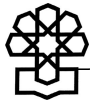
صادرات انرژی به اروپا نقش کلیدی داشته باشد.^(۱۱) علاوه بر این رژیم صهیونیستی در صدد دستیابی به منابع گاز منطقه از طریق خط لوله ناباکو نیز می‌باشد. در این میان، باید توجه داشت که تحولات منطقه‌ای مانند جنگ گرجستان و انفجار خطوط لوله انتقال انرژی منطقه یا تنش در روابط ترکیه و اسرائیل می‌تواند موانع جدی‌ای برای نفوذ اسرائیل در این حوزه به وجود آورد.

ب) سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گسترده کشاورزی

با توجه به پیشرفت‌ها و تجربه‌هایی که اسرائیل در زمینه‌های توسعه کشاورزی، سیستم آبیاری پیشرفته به سبب قرار گرفتن در شرایط جغرافیایی گرم و خشک بیابانی پیدا کرده است، این رژیم در این زمینه نیز سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در منطقه انجام داده است. این سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه در کشور آذربایجان با نشان دادن پیشرفت تکنولوژی اسرائیل در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی و معدنی سبب افزایش جذابیت و مطلوبیت رابطه با اسرائیل شده و زمینه گشوده شدن افق‌های جدیدی در میان این کشورها را به وجود آورده است.

ج) فروش محصولات و بازاریابی تولیدات اسرائیل

اسرائیل با نفوذ اقتصادی در منطقه توانسته است بخشی از بازارهای اقتصادی بکر منطقه را به خود اختصاص دهد و از این طریق با جذب نیروی انسانی و تجارب فنی اسرائیل، درآمدهای سرشار مادی را به دست آورد. در واقع اگرچه کالاهای ترک توانسته‌اند ظرفیت وسیعی را برای حضور اقتصادی ترکیه در بازارهای آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آورند اما حجم مبادلات اسرائیل با آذربایجان و حتی ارمنستان نشان‌دهنده نفوذ گسترده اقتصادی اسرائیل در منطقه است زیرا که در جریان دیدار



اخیر پرز از باکو اعلام شد که حجم مبادلات تجاری اسرائیل و آذربایجان بیش از سه و نیم میلیارد دلار در سال است و براین اساس، همان‌گونه که سابقاً نیز اشاره شد هم‌اکنون اسرائیل سومین شریک عمده اقتصادی آذربایجان بوده و چهارمین مقصد صادرات ارمنستان و سومین طرف واردات آن است. علاوه بر این فروش تسلیحات اسرائیل به گرجستان نیز با شدت پیگیری شده است که این مسئله در جنگ اخیر گرجستان با روسیه، حساسیت شدید روسیه را نیز به دنبال داشته است.

براین اساس امروزه در بازارهای کشورهای منطقه قفقاز، کالاهای ساخت اسرائیل جایگزین کالاهای ایرانی شده و بازار مصرفی مناسبی برای کالاها و خدمات صنعتی اسرائیل در منطقه به وجود آمده است. اسرائیل برای معرفی کالاهای ساخت کشورش به برگزاری نمایشگاه‌های تولیدات اسرائیل به عناوین مختلف به‌ویژه از سوی انجمن دوستی یهودیان کشورهای قفقاز اقدام می‌کند و از شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای ترکیه که در بیش‌تر این کشورها پخش می‌شود نیز برای تبلیغ محصولات خود استفاده می‌کند.

د) تلاش برای جلوگیری از مشارکت ایران در توانایی‌های منطقه‌ای

اسرائیل با حمایت آمریکا و اعمال فشار بر مقامات قفقاز، ایران را از مشارکت اقتصادی در توانایی‌های منطقه باز می‌دارد. نمونه‌هایی از این نوع اعمال فشار را می‌توان در سهیم نکردن ایران در کنسرسیوم نفتی «قرن» از سوی آذربایجان و همچنین ترانزیت نفت از طریق خط لوله باکو - جیحان و خط لوله ناباکو، جلوگیری از ورود محصولات مصرفی مانند فراورده‌های گوشتی و لبنی از ایران به آذربایجان و جایگزینی آن با تولیدات لبنی و گوشتی اسرائیل از طریق جریان‌ات



مافیایی درون حاکمیت آذربایجان و... مشاهده کرد.

ه) بی‌اثر کردن تحریم‌های اقتصادی کشورهای همسایه از طریق پیمان‌های اقتصادی در قفقاز

اسرائیل تلاش می‌کند تا با اتصال به اقتصاد مناطقی پیرامونی مانند قفقاز، از اهمیت سیاسی و اقتصادی خاورمیانه عربی بر اسرائیل کاسته و با گسترش نفوذ اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی در منطقه و بازاریابی بین‌المللی، میزان اتکای اقتصادی خود به حساب خارجی را کاهش داده و از سیستم اقتصاد رانتر خارج شود.

و) گسترش همکاری‌های اقتصادی از طریق معرفی خود به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته

ضرورت‌های اقتصادی و نیاز شدید کشورهای قفقاز به سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی و موفقیت‌های نسبی اسرائیل در پروژه‌های اقتصادی سبب نزدیکی تعاملات اسرائیل و دولت‌های منطقه شده است. در این میان اسرائیل تلاش دارد تا با نفوذ در ساختار اقتصادی کشورهای منطقه، اسرائیل را به‌عنوان الگوی یک کشور توسعه‌یافته معرفی کند تا از این طریق به اهداف سیاسی - امنیتی خود در منطقه نیز دست یابد. با این وجود باید توجه داشت که الگو و استاندارد توسعه‌یافتگی این کشورها، اروپا و آمریکا هستند و با توجه به ارتباط این کشورها با اروپا و به‌خصوص عضویت برخی از این کشورها مانند آذربایجان در شورای اروپا و کمیسیون همکاری و امنیت اروپا، آنان به سمت الگوپذیری مستقیم از اروپا حرکت کرده‌اند. بنابراین اسرائیل در این زمینه موفقیت‌چندانی برای معرفی خود به‌عنوان



الگوی توسعه‌یافتگی این کشورها ندارد اما می‌تواند با معرفی خود به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته، زمینه‌های همکاری‌های گسترده اقتصادی با منطقه را به‌وجود آورد.

اهداف فرهنگی - ایدئولوژیک

یکی از ابعاد سیاست خارجی اسرائیل در قفقاز، احیای تمدن یهود در منطقه است. این مسئله از یکسو ماهیتی مذهبی و ایدئولوژیک دارد و اسرائیل می‌کوشد تا با تغییر یا تحریف تاریخ و آثار باستانی منطقه و طرح امپراتوری بزرگ عبری خزرها در آسیای مرکزی و قفقاز^۱ یا برپایی جشن‌های ۳ هزار ساله از سوی اسرائیل، هویت باستانی یهود را زنده کند و از فضای بحران هویت کشورهای منطقه پس از فروپاشی شوروی و در فضای نگرانی از بنیادگرایی اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر در راستای القای هویت یهودی آنان استفاده کند. از سوی دیگر این نفوذ فرهنگی در راستای اهداف سیاسی - امنیتی و اقتصادی اسرائیل در منطقه به‌کار گرفته می‌شود. در واقع اسرائیل از این طریق با افزایش نفوذ لابی‌ها و گروه‌های فشار صهیونیستی در مراکز تصمیم‌گیری دولتی یا با حمایت بنیادها و نهادهای مختلف به‌دنبال گسترش ابعاد نفوذ خود در منطقه است، چنانچه اسرائیل با کمک انجمن بین‌المللی یهود در آذربایجان و اقداماتی مانند برگزاری اولین فستیوال فیلم اسرائیل در آذربایجان در ۲۰۰۴ میلادی یا حضور خوانندگان اسرائیل و سمینارهای متعدد با موضوع یهودیان در سال ۲۰۰۶ در دانشگاه علوم آذربایجان توانسته است حساسیت تعاملات اسرائیل و آذربایجان را

۱. امپراتوری خزرها اشاره به تسلط اقوام یهودی در این منطقه دارد که بعدها بخشی از آنان به اروپای شرقی مهاجرت کردند، این گروه پس از ایجاد اسرائیل در ۱۹۴۸ میلادی به اسرائیل رفته و بخشی از سفاردی‌های اسرائیلی هستند.



کاهش داده و نفوذ سیاسی - اقتصادی و فرهنگی بسیاری کسب کند. علاوه بر این اسرائیل همزمان با تلاش برای ایجاد هژمونی فرهنگی در منطقه، به دنبال تضعیف ایدئولوژی اسلامی است.

۴. روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان

جمهوری آذربایجان در سیاست خارجی منطقه‌ای اسرائیل در قفقاز از اهمیت بسیاری برخوردار است. این اهمیت به سبب اهمیت ژئوپلیتیکی قفقاز، همسایگی این کشور با ایران، همجواری آن با دریای خزر، وجود منابع عظیم نفتی، مسلمان و شیعه بودن مردم این کشور و حاکمیت دولتی در آن است که به شدت نگران گسترش جریان اسلامگرایی در منطقه است. بر این اساس اسرائیل از همان ابتدا جایگاه ویژه‌ای را نسبت به مناسبات با آذربایجان در نظر گرفت و دومین کشوری بود که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت از آن زمان به بعد نیز اسرائیل همواره نقش فعال در امور اقتصادی، سیاسی و نظامی آذربایجان داشته و این کشور را به‌عنوان شریک استراتژیک بالقوه خود قلمداد کرده است.

براین اساس، گرایش آذربایجان به سمت اسرائیل، نتیجه بازی بزرگی است که با ورود اسرائیل به مناقشه قره‌باغ و حمایت از آذربایجان و ضعف ایران در طراحی دیپلماسی مناسب و گرایش آشکار به سمت ارمنستان، عملیاتی شد. لذا طرح سیاسی و اطلاعاتی جامعی در این زمینه به اجرا درآمد و در نهایت، آذربایجان مورد حمایت لابی یهود قرار گرفت و روند جدایی آن از ایران به‌ویژه پس از حذف ایران از خط لوله باکو-تفلیس - جیحان به اوج رسید. این موضوع کلید تحلیل حضور و فعالیت

اسرائیل در قفقاز جنوبی است.



با این وجود باید در نظر داشت که پیشینه روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان به دوره زمانی کوتاهی قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باز می‌گردد. این مسئله با ایجاد انجمن دوستی جمهوری آذربایجان - اسرائیل در سال ۱۹۹۰ آغاز شد و از آن زمان با همکاری این انجمن با جوامع یهودیان آمریکا و اسرائیل روابط نزدیکی میان آنان برقرار شد. نفوذ اسرائیل در آذربایجان نیز از دوران حکومت ملی‌گرایان افراطی جبهه خلق بر آذربایجان شروع شده و ابوالفضل ایلچی بیگ، رئیس جبهه خلق، به‌دنبال جلب حمایت اسرائیل برای تحقق رؤیای توران بزرگ برآمد. پس از سقوط ایلچی بیگ، حیدرعلی اف نیز با این تصور که بدون رابطه با رژیم صهیونیستی نمی‌تواند از حمایت آمریکا بهره‌مند شود، روابط خود را با اسرائیل گسترش داد. بر این اساس روابط رسمی میان آذربایجان و اسرائیل با سفر معاون نخست‌وزیر اسرائیل به باکو در ۱۹۹۲ آغاز شد و طی آن مقاله‌نامه افتتاح سفارت اسرائیل در باکو و قرارداد دایر کردن خطوط هوایی باکو-تل‌آویو منعقد شد.^(۱۲)

اهمیت روابط اسرائیل و آذربایجان سبب شده است که حتی در منازعه قره‌باغ میان آذربایجان و ارمنستان، اسرائیل به حمایت قاطع از آذربایجان پرداخته و با همکاری ترکیه، تسلیحات و تجهیزات نظامی را برای جمهوری آذربایجان فرستاده است. علاوه بر این در اوت ۱۹۹۵ یک هیئت اطلاعاتی اسرائیل در سفر به آذربایجان، آموزش مأموران امنیتی این کشور را برعهده گرفت و دو پایگاه اطلاعاتی اسرائیل در منطقه جنوبی آذربایجان برای جمع‌آوری اخبار ایران تأسیس شد. همچنین به اسرائیل اجازه تأسیس پایگاه‌های نظامی جدیدی برای انجام عملیات هوایی احتمالی علیه ایران



داده شد. این روابط در پرتو تحولات جدید در منطقه در همه سطوح سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه امنیتی و نظامی گسترش یافته و اتحاد آمریکا، اسرائیل، ترکیه و آذربایجان در راستای منافع اسرائیل و آذربایجان به‌وجود آمده است. در این میان، اگرچه با تضعیف فرضیه تهاجم به ایران و همچنین بازسازی روابط ترکیه و ارمنستان و به‌ویژه بروز تنش در روابط ترکیه و اسرائیل، این اتحاد چهارجانبه سست شده است؛ اما تعاملات سیاسی - امنیتی اسرائیل و آذربایجان همچنان ادامه یافته است. با این وجود در این شرایط، آذربایجان علیرغم روابط آشکار و پنهان بسیاری که با اسرائیل دارد، برای مقابله با حساسیت‌های فزاینده منطقه‌ای تاکنون در اسرائیل سفارتخانه‌ای دایر نکرده و تنها از طریق انجمن‌های دوستی یهودیان آذربایجان و اسرائیل، سفارت اسرائیل در باکو و بنیادها و نهادهای صهیونیستی به همکاری‌های دوجانبه براساس قراردادهای منعقد شده فی‌مابین ادامه داده است. این همکاری‌ها در سه قالب همکاری اقتصادی، فرهنگی و نظامی صورت می‌گیرد:

الف) همکاری‌های اقتصادی

رژیم صهیونیستی از طریق تأکید بر اولویت نیازهای فوری اقتصادی آذربایجان، در ساختارهای اقتصادی این کشور نفوذ کرده و توانسته است سرمایه‌گذاری‌های وسیعی به‌ویژه در حوزه انرژی، کشاورزی، پرورش ماهی، توریسم و تجارت کالا با آذربایجان داشته باشد. به‌گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ از دهمین شریک تجاری بزرگ آذربایجان به پنجمین شریک تجاری آن تبدیل شده و در سال ۲۰۰۶ نیز دومین شریک صادراتی آذربایجان و در ۲۰۰۸ سومین شریک عمده اقتصادی آن بوده است.^(۱۳) علاوه‌بر این براساس آمار رسمی اداره آمار رژیم



صهیونیستی در سال ۲۰۰۸، صادرات رژیم صهیونیستی به آذربایجان ۱۲۹/۴ میلیون دلار بوده است. اسرائیل در جهت کاهش مشکلات اقتصادی خود توانسته است با گسترش روابط خود با کشورهای منطقه و به‌ویژه کشور نفت‌خیز آذربایجان، نفوذ قابل توجهی کسب کند. در این میان شرکت اسرائیلی «سونول» که در حال حاضر فعالیت بسیاری در صنایع نفت عراق برای تأمین سوخت ارتش آمریکا دارد، از پرنفوذترین شرکت‌های استخراج نفت در آذربایجان است. همچنین اسرائیل با مشارکت در قرارداد تأمین امنیت خط لوله باکو - جیحان و اعطای سالانه ۲۴ میلیون دلار به آذربایجان و گرجستان در راستای انتقال انرژی به دریای مدیترانه، هم‌اکنون ۳۰ درصد از نیاز نفتی خود را از این طریق تأمین می‌کند. علاوه بر این اسرائیل به دنبال ایجاد یک خط لوله اضافی از جیحان ترکیه و از طریق زیر دریا به اسرائیل است تا از این طریق نفوذ روسیه در منطقه و وابستگی خود به کشورهای عربی را کاهش دهد. روابط اقتصادی اسرائیل و آذربایجان به همکاری‌های نفتی محدود نمی‌شود و اسرائیل در زمینه‌های توریسم و تجارت کالا نیز همکاری گسترده‌ای با آذربایجان دارد و شرکت‌های کشاورزی و صنعتی اسرائیلی نیز نقش مهمی در توسعه این کشور دارند، چنانچه در سال ۲۰۰۷ میلادی اسرائیل سرمایه‌گذاری‌های جدیدی در ایجاد مزارع کشت صیفی‌جات و گوجه‌فرنگی و پرورش ماهیان در آذربایجان را آغاز کرده است.^(۱۴) بر این اساس رژیم صهیونیستی هم‌اکنون واردکننده ماهی‌های دریای خزر از طریق آذربایجان است و همکاری‌های گسترده‌ای با این کشور در حوزه آبیاری، مدیریت آب و کشت پنبه نیز برعهده گرفته است.



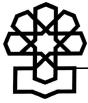
ب) همکاری‌های نظامی و امنیتی

اگرچه رژیم صهیونیستی در تعاملات خود با آذربایجان تلاش کرده است تا محور حضور خود در این کشور را مسائل اقتصادی یا همکاری‌های علمی و فنی مطرح کند تا از این طریق خود را حامی توسعه این کشور نشان داده و حساسیت‌های مردمی را کاهش دهد، اما این کشور همکاری‌های نظامی و امنیتی گسترده‌ای با آذربایجان دارد. به‌گونه‌ای که سه کشور ترکیه، اسرائیل و آذربایجان با ایجاد پیمان همکاری نظامی، سه متحد استراتژیک در آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شوند. این اتحاد در مسائل مختلفی مانند بحران قره‌باغ، اختلاف ایران و آذربایجان در ژوئن ۲۰۰۳ میلادی،^۱ حمله آمریکا به عراق و فعالیت پایگاه‌های جاسوسی علیه ایران در مرزهای آنان و مانورهای نظامی و آموزشی خودنمایی کرده است. علاوه بر این اسرائیل با اعزام هیئت‌های امنیتی، آموزش مأموران امنیتی آذربایجان را نیز بر عهده دارد.^(۱۵) با این وجود تحولات منطقه‌ای مانند بروز تنش در روابط ترکیه و آذربایجان و یا تلاش‌های جدید برای بازسازی روابط ترکیه و ارمنستان، هم‌اکنون زمینه تغییراتی در تعاملات سه‌جانبه اسرائیل، ترکیه و آذربایجان را به‌وجود آورده است.

ج) همکاری فرهنگی

اسرائیل با استفاده از جامعه یهودیان آذربایجان و نفوذ در خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ملی این کشور به دنبال تسلط بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی آذربایجان و سپس

۱. تنش ایران و آذربایجان در ژوئن ۲۰۰۳ به دلیل پرواز جنگنده‌های ایران برفراز باکو به سبب حفاری‌های غیرمجاز در خزر رخ داد. این مسئله یکی از مهمترین نقاط عطف روابط ایران و آذربایجان بوده که عملاً سبب شده است که از آن تاریخ به بعد، روابط اسرائیل با آذربایجان علنی‌تر شده و عنصر تبلیغی ضدایرانی این کشور نیز با شدت بیشتری مطرح شود.



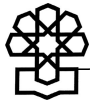
ساختار مدیریتی آن است. در این راستا فعالیت‌های فرهنگی بسیاری توسط بنیادها و نهادهای صهیونیستی مانند بنیاد جورج سورس، بنیاد کمک ملی به دموکراسی، انستیتو صلح و دموکراسی آمریکا، مؤسسه رسانه‌های قفقاز و ... صورت می‌گیرد و خبرگزاری‌ها و نشریات وابسته به اسرائیل نقش وسیعی در تبلیغات روانی علیه ایران و جنبش‌های اسلامی در منطقه یا موضوعات ملی‌گرایانه، قومی و تجزیه‌طلبی دارند.^۱ این مؤسسات علاوه بر این نقش مهمی در استخدام و جذب نخبگان و مقامات کشور آذربایجان در راستای منافع اسرائیل دارند. از سوی دیگر اسرائیل با گسترش تعاملات فرهنگی و سیاسی از طریق انجمن دوستی یهودیان اسرائیل - آذربایجان یا گروه دوستی پارلمانی در کشور و برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های مختلف و دعوت از هنرمندان و خوانندگان اسرائیلی درصدد توسعه روابط دوجانبه در زمینه‌های فرهنگی و انسانی است. علاوه بر این، این انجمن‌ها و سایر مؤسسات و بنیادهای صهیونیستی در صدد تضعیف باورهای اسلامی و گروه‌های مخالف رژیم صهیونیستی در آذربایجان هستند. بر این اساس از طریق کمک مالی و وعده‌های متعدد به خانواده‌های فقیر، برگزاری مراسم‌های مختلف تبلیغ یهودیت، نفوذ در سیستم آموزشی جمهوری آذربایجان، رژیم صهیونیستی به دنبال تأثیرگذاری بر نسل جوان آذربایجان و ترویج تفکرات صهیونیستی است.

۱. این بنیادهای صهیونیستی به دنبال انقلاب‌های رنگی در گرجستان و اوکراین در آذربایجان تقویت شد، اما دستگاه‌های امنیتی و دولت آذربایجان به دلیل گزارش‌های بعضاً غیردولتی این بنیادها روابط خوبی با این مؤسسات ندارند. با این وجود، این مؤسسات همچنان به فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی خود در آذربایجان ادامه می‌دهند.



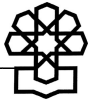
۵. تعاملات سیاسی - امنیتی اسرائیل و گرجستان

گرجستان یکی از کشورهای منطقه قفقاز و از هم‌پیمانان اسرائیل در این منطقه است که از بدو استقلال از اتحاد جماهیر شوروی، مناسبات رسمی خود را با رژیم صهیونیستی برقرار کرده و با گشایش سفارت اسرائیل در تفریس در سال ۱۹۹۲ روابط دوجانبه آنان گسترده‌تر گردید. این مسئله متأثر از وجود ۱۳ هزار یهودی در گرجستان، سبب فعالیت آژانس یهود و سازمان‌های یهودی دیگر در این کشور شد و با سفر موشه کاتساو - رئیس‌جمهور پیشین رژیم صهیونیستی - به تفریس در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ و عقد قرارداد مبارزه با تروریسم، تعاملات رسمی آنان تقویت گردید. در این میان، وقوع انقلاب مخملی در گرجستان در سال ۲۰۰۳ و به قدرت رسیدن ساکاشویلی سبب تعمیق روابط اسرائیل و گرجستان گردید زیرا که اولاً گرجستان با انقلاب مخملی در جبهه آمریکا و غرب قرار گرفته بود و ثانیاً ساکاشویلی نیز به دنبال خروج از فشارهای روسیه بر گرجستان و تقویت موقعیت این کشور در ساختارهای اروپایی و به‌ویژه ناتو بوده و بدین‌منظور ایجاد روابط استراتژیک با آمریکا و اسرائیل ضروری شده بود. بر این اساس، ساکاشویلی برای تقویت قدرت ملی گرجستان و بازسازی ارتش این کشور و ایجاد زمینه مناسب برای عضویت در ناتو، همکاری نظامی گسترده‌ای را با آمریکا و اسرائیل در دستور کار خود قرار داده و در این چارچوب همکاری‌های نظامی با اسرائیل در قالب تجهیز ارتش و خریدهای نظامی، آموزش نظامیان گرجی و حضور کارشناسان نظامی و اطلاعاتی اسرائیل پیگیری شد.



علاوه بر این انتخاب دو وزیر یهودی یعنی دفاع و وزیر امور اوستیای جنوبی و آبخازیا نیز نقش مهمی در گسترش تعاملات اسرائیل و گرجستان ایفا کرد. همچنین انتصاب ژنرال گال هرش - فرمانده پیشین سپاه شمال ارتش اسرائیل - به سمت مشاور امنیتی رئیس‌جمهور گرجستان و نقش مهم وی در آموزش نیروهای نظامی گرجی سبب افزایش سطح همکاری‌های نظامی دوجانبه شد. این مسائل سبب شد که حجم سرمایه‌گذاری اسرائیل در گرجستان در حوزه‌های مختلف مانند توسعه مناطق نفتی، کشاورزی و صنعت و فناوری پیشرفته و به‌ویژه در حوزه نظامی در چند سال اخیر پنج برابر افزایش داشته باشد با این وجود گسترش روابط اسرائیل و گرجستان با حساسیت و واکنش روسیه و برخی دیگر از بازیگران منطقه‌ای مواجه شد. به‌گونه‌ای که در جنگ اخیر روسیه و گرجستان، بر نقش رژیم صهیونیستی در این جنگ تأکید بسیاری شده و حتی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از عواملی که سبب آغاز جنگ گرجستان و روسیه در اوستیای جنوبی شد مورد توجه قرار گرفت. این مسئله به این دلیل مطرح شد که اسرائیل بعد از آمریکا مهمترین نقش را در تجهیز و آموزش نیروهای گرجی و فروش انواع تسلیحات به گرجستان برعهده داشت.

بر این اساس، جنگ اخیر گرجستان و روسیه اگرچه با شکست گرجستان و بالتبع ناکامی اسرائیل در منطقه مواجه شد و به‌دلیل اعتراض شدید روسیه به اسرائیل و تهدید فروش سامانه S۳۰۰ به ایران، سطح روابط اسرائیل و گرجستان تقلیل یافته و توافقاتی مانند توافقنامه فروش ۲۰۰ تانک مرکاوا - علیرغم امضای توافقنامه توسط اسرائیل و گرجستان - لغو شده است، اما منافع و اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز با تمرکز بر خطوط انتقال انرژی در پروژه ناباکو و نقش مهم آن‌رایجان و گرجستان در این طرح



همچنان مورد توجه می‌باشد. علاوه بر این، اهداف دیگر اسرائیل مانند تقویت موقعیت یهودیان گرجستان و جلب کمک سیاسی و اقتصادی آنان نیز کماکان مورد توجه رژیم صهیونیستی می‌باشد (چنانچه اسرائیل در جریان جنگ ۳۳ روز نیز توانسته بود کمک‌های مالی زیادی را از جانب یهودیان گرجستان به دست آورد). همچنین حضور و نفوذ در مناطق پیرامونی ایران و به‌ویژه دسترسی به فرودگاه‌های نظامی در جنوب گرجستان برای استفاده جنگنده بمب‌افکن‌های اسرائیل در شرایط خاص نیز همچنان در دستور کار سیاست خارجی اسرائیل در قبال گرجستان قرار دارد.

۶. روابط دوجانبه اسرائیل و ارمنستان

ارمنستان تنها کشور منطقه قفقاز جنوبی است که علیرغم برقراری ارتباط دیپلماتیک میان اسرائیل و این کشور، برخلاف دو کشور دیگر این منطقه (آذربایجان و گرجستان)، نمایندگی رسمی اسرائیل در آن تأسیس نشده و سفیر رژیم صهیونیستی در گرجستان سفیر آکرديته اسرائیل در ارمنستان می‌باشد. این مسئله متأثر از همکاری‌های استراتژیک اسرائیل و آذربایجان، حمایت رژیم صهیونیستی از مواضع آذربایجان در مسئله قره‌باغ، حمایت از موضع ترکیه در مسئله نسل‌کشی ارمنی و نزدیکی روابط ارمنستان با ایران و روسیه به وجود آمده است. با این وجود اگرچه به سبب برقراری روابط سیاسی، اقتصادی گسترده اسرائیل با آذربایجان و تعاملات امنیتی و حتی آموزش نیروهای امنیتی و اطلاعاتی این کشور توسط رژیم صهیونیستی، اسرائیل متحد استراتژیک دشمن ارمنستان در منطقه محسوب می‌شود



اما این مسئله مانع مراودات دیپلماتیک اسرائیل با این کشور نشده است. به‌گونه‌ای که سطح روابط دو کشور در عرصه‌های مختلف توسعه یافته است. در این زمینه در سال ۲۰۰۰ کوچاریان - رئیس‌جمهور ارمنستان - در سفر به اسرائیل با ایهود باراک - نخست‌وزیر اسرائیل - دیدار کرد. از سوی دیگر علیرغم جمعیت اندک یهودیان ارمنستان که کمتر از یک هزار نفر می‌باشد، با فعالیت جامعه یهودی این کشور، تعاملات اسرائیل و ارمنستان تداوم یافته است. چنانچه افتتاح مرکز فرهنگی اقلیت‌های قومی در ارمنستان و احداث بنای یادبود هولوکاست در یکی از میدان‌های مهم ایروان، بخشی از اقدامات این جامعه یهودی بوده است.^(۱۶)

بر این اساس، علیرغم اختلافات موجود در مواضع و سیاست خارجی اسرائیل در قبال ارمنستان، روابط دو کشور به‌ویژه در حوزه اقتصادی، توسعه یافته است به‌گونه‌ای که حجم تعاملات اقتصادی ارمنستان و اسرائیل - علیرغم حمایت ایران از ارمنستان در منازعه آن با آذربایجان و حمایت اسرائیل از آذربایجان - به مراتب بیشتر از ایران است. چنانچه در سال ۲۰۰۶ حجم صادرات ارمنستان به اسرائیل ۷ درصد و ایران ۴/۹ درصد بوده است. این میزان در سال ۲۰۰۸ برای اسرائیل به ۱۲/۵ درصد رسیده در حالی که این میزان در مورد ایران تنزل داشته و به ۴/۴ درصد رسیده است.

این مسئله به این معناست که در مدت دو سال اسرائیل با افزایش ۵/۵ درصدی، از پنجمین مقصد صادرات ارمنستان به چهارمین مقصد ارتقا یافته در حالی که ایران با ۰/۵ درصد کاهش، همچنان در رتبه هشتم مقصد صادرات ارمنستان باقی‌مانده است. از سوی دیگر حجم واردات ارمنستان از اسرائیل در سال ۲۰۰۶ معادل ۴/۸



درصد از کل حجم واردات ارمنستان (هشتمین طرف معامله ارمنستان در واردات) بوده و این میزان برای ایران ۵/۷ درصد (هفتمین طرف معامله ارمنستان در واردات) بوده است؛ اما در سال ۲۰۰۸، این میزان برای اسرائیل ۸/۶ درصد (ارتقا به سومین طرف معامله واردات ارمنستان) و ایران ۷/۲ درصد (ارتقا به پنجمین طرف معامله واردات ارمنستان) بوده است. این آمار نشان‌دهنده گسترش تعاملات اقتصادی اسرائیل با ارمنستان در این دوره به نسبت ایران می‌باشد. (۱۷) و (۱۸)

۷. موانع موجود در روابط اسرائیل و کشورهای منطقه قفقاز

تلاش‌های اسرائیل برای نفوذ در قفقاز علی‌رغم موفقیت‌های نسبی آن، با چالش‌هایی نیز مواجه است. این چالش‌ها که نفوذ این رژیم را در منطقه با دشواری‌هایی مواجه ساخته است، متأثر از شرایط ژئوپلیتیک و تقابل اهداف و منافع بازیگران منطقه‌ای و اولویت‌های سیاست خارجی اسرائیل شکل می‌گیرد. مهم‌ترین چالش‌های توسعه روابط اسرائیل و دولت‌های منطقه قفقاز عبارتند از:

۷-۱. مخالفت روسیه با نفوذ اسرائیل در منطقه

عدم تمایل روسیه به نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز یکی از مهم‌ترین موانع توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در این منطقه است. این مسئله متأثر از محاسبات استراتژیک روسیه نسبت به قفقاز به وجود آمده است. در واقع تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این منطقه جزء اقمار شرق محسوب می‌شده و شوروی در آن نفوذ فوق‌العاده‌ای داشت و به نوعی این منطقه حیات خلوت مسکو تلقی می‌شد. از سوی



دیگر در زمان جنگ سرد، اسرائیل متحد استراتژیک غرب در منطقه بوده و در بلوک غرب قرار گرفته بود. از این رو در مقطع جنگ سرد روابط روسیه و اسرائیل همواره پرتنش بود. هم اکنون نیز روسیه، اسرائیل را نماینده غرب در منطقه می‌داند و در این راستا سعی می‌کند از نفوذ اسرائیل در «منطقه خارج نزدیک خود» جلوگیری کرده و حوزه نفوذ آن را تا حد امکان محدود کند. این نگرش روسیه سبب اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه اسرائیل در تعامل با کشورهای قفقاز به‌ویژه در مورد توسعه ناتو به این منطقه شده است.

به هر تقدیر، اگرچه عملکرد محدود اسرائیل به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و غیرسیاسی می‌تواند مورد قبول روسیه قرار گیرد. اما از نظر روسیه، نتایج منفی همکاری مشترک اسرائیل و آمریکا و قفقاز به‌مراتب مهم‌تر و بیشتر از نتایج مثبت بالقوه آن است. زیرا این همکاری‌ها سبب تیرگی روابط میان روسیه - اسرائیل و احیای احساسات ضدیهودی در روسیه می‌شود. این مسئله به‌ویژه پس از جنگ اخیر میان روسیه و گرجستان با حساسیت بیشتری از سوی روسیه پیگیری می‌شود.

۷-۲. عدم ثبات سیاسی جمهوری‌های قفقاز

تداوم بحران دولت - ملت‌سازی در قفقاز سبب شده است که کشورهای این منطقه هنوز به ثبات سیاسی پایدار دست نیابند و نظام سیاسی نهادینه شده در آنان ایجاد نشود. این مسئله با وقوع انقلاب‌های رنگین و تغییر نظام سیاسی این جمهوری‌ها به اوج خود رسیده و عملاً امکان فعالیت درازمدت سیاسی و اقتصادی در آنان را به کمترین حد ممکن کاهش داده است. از این رو با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در این



کشورها، امکان نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه کاهش یافته و این رژیم نیز علی‌رغم موقعیت منحصر به فرد استراتژیک و ژئوپلیتیک قفقاز، این کشورها را محیط مناسبی برای سرمایه‌گذاری ندانسته و به دنبال مناطق باثبات سیاسی بیش‌تری برای سرمایه‌گذاری خارجی است.

۷-۳. مخالفت ایران با نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی اسرائیل

یکی از موانع توسعه روابط اسرائیل در منطقه، نقش و نفوذ ایران در کشورهای قفقاز است. این مسئله در ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دلیل تشابه فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی میان ایران و کشورهای تازه استقلال یافته، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. اما امروزه با نفوذ اقتصادی، سیاسی و امنیتی آمریکا، ترکیه و اسرائیل و عدم حضور جدی فعالیت‌های اقتصادی ایران کاهش یافته است، با این وجود نفوذ ایران در میان افکار عمومی منطقه و افشای ماهیت واقعی سیاست‌های اسرائیل در کشورهای قفقاز توسط ایران مانعی برای توسعه روابط اسرائیل و دولت‌های این منطقه محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که مثلاً علی‌رغم روابط گسترده آذربایجان و اسرائیل، مهم‌ترین دلیل عدم ایجاد سفارتخانه اسرائیل در این کشور، ترس از ایران است.^(۲۴)

۸. پیامدهای حضور اسرائیل در منطقه بر امنیت ملی ایران

حضور اسرائیل در قفقاز و گسترش نفوذ آن در ساختارهای سیاسی، اقتصادی امنیتی فرهنگی منطقه که در دو دهه اخیر تشدید شده است، تأثیر بسزایی بر تهدیدات



و فرصت‌های سیاست خارجی ایران در این منطقه دارد. این مسئله به‌ویژه با تشدید تنش میان ایران و اسرائیل در پرتو طرح خاورمیانه جدید اسرائیل و آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. مهم‌ترین پیامدهای حضور اسرائیل در قفقاز بر امنیت ملی ایران عبارتند از:

۱. با گسترش فعالیت‌های اسرائیل در این منطقه، از نفوذ سیاسی ایران علی‌رغم اشتراکات زبانی، فرهنگی، دینی، جغرافیایی و تاریخی آن با دولت‌های منطقه کاسته می‌شود.
۲. فعالیت شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های اقتصادی قفقاز، ایران را از منافع اقتصادی موجود در این منطقه محروم می‌کند. این مسئله به‌ویژه با حمایت اسرائیل و آمریکا از انتقال انرژی از مسیری جز ایران، به تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک ایران می‌انجامد.
۳. ارتقای همکاری‌های اسرائیل با دولت‌های این منطقه، سبب تقویت نقش نخبگان سیاسی و اگر با جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز شده و به تحدید نفوذ ایران در منطقه منجر می‌شود.
۴. جنگ روانی اسرائیل علیه ایران و بنیادگرایی اسلامی سبب مهار اسلام‌گرایی مطلوب ایران در این منطقه می‌شود، علاوه بر این استراتژی فرهنگی اسرائیل در این منطقه سبب تضعیف سیاست‌های اسلامگرا و گسترش سکولاریسم در منطقه شده و از نفوذ فرهنگی ایران می‌کاهد. این مسئله اسرائیل را نیز به الگوی توسعه سیاسی - اقتصادی این کشور تبدیل می‌کند.
۵. سیاست‌های امنیتی - نظامی اسرائیل در قفقاز و به‌ویژه در قبال همسایگان ایران، که

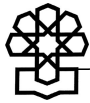


از طریق حضور کارشناسان نظامی اسرائیلی، آموزش مأموران امنیتی این جمهوری‌ها، ایجاد پایگاه‌های شنود و جاسوسی و... صورت می‌گیرد، تهدیدات امنیتی بسیاری برای ایران به دنبال دارد. این مسئله به‌ویژه با تقویت حضور ناتو در منطقه، فضای امنیتی مطلوب اسرائیل و غرب را علیه ایران تشدید کرده و به محاصره ایران می‌انجامد.

۶. سیاست‌های حمایتی اسرائیل از فعالیت گروه‌های تجزیه طلب در آذربایجان و گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با این کشور سبب فعال شدن گروه‌های جدایی طلب در ایران شده و توطئه جدایی طلبی را در منطقه دامن می‌زند.

۹. ارزیابی نهایی: چشم‌انداز روابط اسرائیل و منطقه قفقاز و بایسته‌های سیاست خارجی ایران

نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز از دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شده و با طرح خاورمیانه جدید پرز و دکترین اتحاد پیرامونی جدید توسعه یافته است. این مسئله با تحولات اخیر در خاورمیانه پس از حادثه یازدهم سپتامبر و گسترش حضور آمریکا در راستای امنیت‌سازی در منطقه، ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته و به همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه امنیتی - نظامی اسرائیل با کشورهای این منطقه تسری یافته است. در این میان روابط اسرائیل با برخی دولت‌های منطقه قفقاز به‌ویژه همسایگان ایران مانند آذربایجان عملاً فضای بازی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه محدود کرده و تهدیدهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی بسیاری را بر ایران تحمیل کرده است. با توجه به این مسئله جمهوری اسلامی ایران باید سیاست خارجی خود را در منطقه قفقاز براساس اصول زیر تدوین کند:



۱. رویکرد فرهنگی - تاریخی جمهوری اسلامی ایران نسبت به منطقه قفقاز که از ابتدای فروپاشی شوروی محور سیاست خارجی ایران در منطقه بوده است تاکنون موفقیت چندانی نداشته است. این در حالی است که اسرائیل توانسته است از طریق ارتباط انجمن‌های دوستی یهودیان منطقه با اسرائیل و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی، نفوذ وسیعی در منطقه به دست آورد. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران باید با آسیب‌شناسی استراتژی فرهنگی سیاست خارجی ایران در منطقه از پتانسیل تاریخی - فرهنگی حضور خود در منطقه استفاده کند، در این راستا ایجاد و تقویت انجمن‌های دوستی و برگزاری فعالیت‌های فرهنگی مشترک به‌ویژه با همسایگان ایران ضروری است.

۲. نگرش فرهنگی - تاریخی جمهوری اسلامی ایران نسبت به منطقه قفقاز باید متحول شود. بر این اساس ایران باید با توجه به ضرورت‌ها، اولویت‌ها و نیازهای فوری اقتصادی کشورهای منطقه که مهم‌ترین عامل همگرایی میان آنان و اسرائیل است و با پرهیز از نگرش تک‌بعدی فرهنگی، استراتژی اقتصاد محوری را در منطقه در دستور کار قرار داده و با فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت فعالیت بخش خصوصی اقتصاد ملی، نفوذ تاریخی فرهنگی خود در این منطقه را تثبیت کند.

۳. جمهوری اسلامی ایران باید با لحاظ مخالفت روسیه با نفوذ اسرائیل در این منطقه، از قدرت و نفوذ این کشور در راستای کاهش حضور اسرائیل در منطقه استفاده کند. در این راستا ایران باید با جلب اعتماد روسیه نسبت به اهداف ایران و تضمین رعایت منافع روسیه در حد معقول، به‌دنبال گسترش نفوذ خود به‌عنوان آلترناتیو اسرائیل در منطقه بوده و از فضای صلح سرد جدید میان روسیه و آمریکا



و همگرایی ایران و روسیه و بدبینی روسیه نسبت به اسرائیل به عنوان نماینده غرب در منطقه، در راستای منافع خود بهره‌برداری کند. از سوی دیگر ایران باید از تأثیر اختلافات ایران و آمریکا بر همکاری‌های منطقه‌ای خود بکاهد و اختلافات کلی خود با آمریکا و روسیه را در نظامات منطقه‌ای وارد نکند.

۴. با توجه به اینکه فضا سازی روانی اسرائیل و آمریکا نسبت به تهدید گسترش بنیادگرایی اسلامی از سوی ایران به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، مانع تقویت روابط ایران و کشورهای منطقه و عامل تقویت همکاری آنان با اسرائیل شده است، جمهوری اسلامی ایران باید با گسترش اعتماد سازی در منطقه و از طریق نهادهای غیررسمی و غیردولتی یا مشارکت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اسلامی و گسترش تعاملات نخبگان کشورهای قفقاز با ایران، سیاست‌های تبلیغاتی و جنگ روانی موجود علیه ایران را خنثی کند.

۵. جمهوری اسلامی ایران باید با تأکید بر پروژه‌های انتقال خطوط لوله نفت و گاز منطقه، مشارکت فعالی در انتقال انرژی منطقه داشته باشد. در این راستا ایران باید با احداث خطوط لوله گاز به ارمنستان - نخجوان و گرجستان نه تنها منافع مستقیم ایران و این جمهوری‌ها را تأمین کند، بلکه از آن به‌عنوان مسیر انتقال گاز ایران و ترکمنستان به اروپا استفاده کند. همچنین ایران باید در پروژه انتقال گاز منطقه (ناباکو) حضور فعالی داشته باشد.

۶. جمهوری اسلامی ایران باید با لحاظ تحولات اخیر در روابط ارمنستان و ترکیه، با غنیمت شمردن فرصت پدید آمده و در عین حال با حفظ سطح تمرکز بر ارمنستان، دیپلماسی جدیدی را در منطقه آغاز کند و با رصد حضور و نفوذ



اسرائیل و آمریکا در این کشور به دنبال کاهش چالش‌های روابط دوجانبه و ارتقای سطوح همکاری به‌ویژه در حوزه خزر، انرژی و امنیت منطقه قفقاز باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Azerbaijan Statistics Database, World Trade Organization, 2008.
2. CIA Factbook, U.S. Department of State, Armenia Statistics Database, 2008, and Armenia Country Data, at: <http://www.trade city.com> (Armenia Statistics Data base 2006).
3. Ilya Bourtman, Israel and Azerbaijan Furtive Embrace , middle East Quarterly, Summer 2006, PP.47-57.
4. Robert Freedman, "Soviet Policy Toward Israel Under Gorbachev", New York, CSIS, Washington D.C. 1991.
۵. آرس، بولنت، «استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی»، ترجمه حمید احمدی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸.
6. Ehteshami Anoushiravan, "The Non-Arab Middle East and the Caucasian Central Asia Republics: Iran and Israel", International Relations, Vol 12, No, April 1994.
۷. ملکی، محمدرضا، «روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی قفقاز»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۷۷.
۸. کاظمی، احمد، «مناسبات اسرائیل و رژیم باکو»، نک: <http://www.iraneshomali.blogfa.Com/post-40.aspx>
9. Naomi Sheperd, "Ex-Soviet Jews in Israel: Asset, Borden, or Challenge?" Israel Affairs Vol 1. No 2, 1994.
۱۰. نوری، محمد، یس، التغلغل الاسرائیلی فی جمهوریات آسیا الوسطی الاسلامیه، دراسات اداره العربیة الدراسات و انشروالترجمه الحیزه جمهوریه‌المصر، ۱۹۹۶.
۱۱. اخوان مفرد، سیاوش، «اسرائیل در آسیای مرکزی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۹، ۳۰ زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.
12. "Azerbaijan-Israel", <http://www.Cfr.org/003-2006>.



13. Azerbaijan Statistics Database, Ibid.

14. http://www.interlspecialreport.com/ciscentralasia/azarbaijan/israeli_embassy.

۱۵. بوسک، کریستوفر روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت منطقه در قفقاز جنوبی، مؤسسه فرهنگی آران، شهریور ۱۳۸۶.

۱۶. طباطبایی، سیدحسین، نگاهی به فعالیت‌های جامعه یهودی ارمنستان، مؤسسه ایراس، ۱۳۸۵/۸/۲۳.

17. CIA Factbook, Armenia , Ibid.

18. Armenia Country Data, Ibid.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۰۷۸

عنوان گزارش: سیاست خارجی اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و بایسته‌های
سیاست خارجی ایران

نام دفتر: سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی جاودانی مقدم

ناظران علمی: محمد جمشیدی، حمید صفری

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: ———

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۱/۵